

## آینده جنگ مدرن و جایگاه ازدست‌رفته خلافت

جنگ‌های جاری در نقاط مختلف جهان، به‌ویژه جنگ روسیه و اوکراین و نیز نزاع میان ایران و رژیم صهیونیستی، به‌روشنی نشان می‌دهند که جهان وارد مرحله‌ای نوین و متمایز از جنگ‌های نظامی و اطلاعاتی شده است. تصور سنتی و منسوخ جنگ مبتنی بر لشکرهای عظیم پیاده، تانک و توپخانه با شتاب در حال فروپاشی و تغییر است. امروزه کشورهایی چون آمریکا، چین و روسیه بودجه‌های هنگفتی به صنایع نظامی پیشرفته اختصاص می‌دهند و به‌طور فعال روش‌های نوین جنگ را بازتعریف می‌کنند. اکنون نبردها در جبهه‌های جدید فقط به گلوله و تفنگ محدود نیست، بلکه به عرصه‌ای از نبرد الگوریتم‌ها، هوش مصنوعی، پهپادها، شبکه‌های سایبری و امواج ماهواره‌ای بدل شده است.

در اوکراین، پهپادهای ساده تجاری موفق شدند تانک‌ها و هواپیماهای روسی را نابود کنند. در غزه، رژیم صهیونیستی با استفاده از هزاران پهپاد مجهز به هوش مصنوعی، عملیات قتل‌عام را پیش برد و در همان روز نخست جنگ، شماری از فرماندهان ارشد نظامی ایران را ترور کرد. چین نیز ارتش سایبری خود را توسعه داده است. آمریکا نیز در نسل جدید تسلیحات لیزری و جنگ الکترونیک سرمایه‌گذاری می‌کند.

این رقابت فزاینده، پیام روشنی برای آینده جنگ‌ها دارد: در نبردهای آینده، کشورهایی که در فناوری نظامی و صنایع دفاعی پیشتاز باشند، قدرت مسلط خواهند بود. جنگ‌های فردا کمتر بر نیروهای انسانی تکیه خواهند داشت و بیشتر به ماشین‌هایی وابسته می‌شوند که خستگی نمی‌شناسند، بی‌هراس و بی‌نیاز از استراحت عمل می‌کنند. در دهه پیش‌رو، ربات‌های انسان‌نما تدریجاً وارد خطوط نبرد و عملیات ارتش‌های پیشرفته خواهند شد؛ سامانه‌های خودگردان جای خلبانان انسانی را خواهند گرفت؛ پهپادها مأموریت‌های شناسایی و حمله را انجام می‌دهند و قدرت تصمیم‌گیری به الگوریتم‌های پیچیده واگذار خواهد شد. در این جنگ‌های آینده، برتری دیگر با دلاوری بدنی تعیین نمی‌شود، بلکه با هوشمندی، فناوری و مهارت بهره‌گیری مؤثر از روش‌ها و ابزارهای پیشرفته رقم خواهد خورد.

سؤال اساسی این است: جایگاه ما مسلمانان در این معادله کجاست؟ حقیقت تلخ آن است که خلافت که روزگاری در صف مقدم قدرت نظامی و نوآوری در میدان‌های نبرد بود امروزه وجود ندارد. ما از وجود چنین دولتی محرومیم؛ دولتی که نه‌تنها از امت دفاع کند، بلکه توان بازدارندگی و ابتکار نظامی را نیز در اختیار داشته باشد.

تاریخ ما سرشار از نمونه‌های درخشانی از برتری نظامی است. در دوران خلافت، مسلمانان با وجود کمبود عدد و عده، در نبردهایی چون خندق، مؤته، یرموک، نهاوند، فتح شام و قسطنطنیه، پیروزی‌های سرنوشت‌سازی به دست آوردند؛ اینها حاصل برنامه‌ریزی دقیق، روحیه ابتکار و ایمان استوار بود؛ اما امروزه، در غیاب خلافت، همین امت گرفتار انفجارها و جنگ‌های نیابتی در سرزمین‌های خود شده است.

اگر امروز خلافت برپا نیست، آیا باید به‌عنوان امتی منفعل و تماشاچی باقی بمانیم؟ هرگز. ما وظیفه داریم با تمام توان و ظرفیت خود برای اقامه خلافت بر منهج نبوت تلاش کنیم. این تلاش، تنها یک وظیفه دینی نیست، بلکه ضرورتی حیاتی برای جبران ضعف‌ها و عقب‌ماندگی‌های فکری، سیاسی و نظامی امت است.

از منظر اسلامی، مفهوم «آمادگی» که در قرآن کریم آمده است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتُطِعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» «برای آنان تا آنجا که می‌توانید نیرو آماده‌سازید»، صرفاً مرحله‌ای فنی پس از تأسیس خلافت نیست؛ بلکه تکلیفی همیشگی و تاریخی بر دوش امت است. آمادگی در همه سطوح، از فردی تا جمعی، یک واجب شرعی است و غفلت از آن معصیت الهی به شمار می‌رود. گرچه تحقق کامل و نظام‌یافته این آمادگی فقط با رهبری خلافت ممکن است، اما این به معنای رفع مسئولیت از امت پیش از اقامه آن نیست.

لازم است مسلمانان، پایه‌های قدرت نظامی را از هم‌اکنون با تقویت آگاهی سیاسی و نظامی، تشکیل شبکه‌های علمی و ایجاد گروه‌های پژوهشی متمرکز بر صنایع نظامی بنا کنند. نمی‌توانیم منفعل بمانیم و منتظر تأسیس دولت باشیم تا بعد از آغاز به آماده‌سازی کنیم. برعکس، هنگام اقامه خلافت باید تیم‌های فنی، مهندسی، نظامی و مدیریتی آموزش‌دیده و مجهز وجود داشته باشد تا خلافت بتواند به‌سرعت از یک دولت نوپا به قدرتی جهانی بدل شود؛ درست همان‌گونه که قدرت‌های جهانی امروز عمل کردند و امت اسلامی نباید از قافله عقب بماند.

بدیهی است که یک امت بی‌آمادگی، دولت خود را نیز به عقب می‌کشد، اما امت آماده، دولتش را به قله عظمت و شکوه خواهد رساند. ما، به‌عنوان امت، مأموریم پرچم اسلام را بر دوش بگیریم و پیشوای بشریت باشیم و این رهبری جز با دولتی قدرتمند و آماده به‌ویژه در عرصه‌های نظامی، فناوری و صنعتی تحقق نمی‌یابد. امت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم نباید صرفاً ناظر نمایش قدرت دیگران باشد؛ بلکه خود باید خالق بزرگ‌ترین دگرگونی‌های نظامی و فناورانه این قرن گردد و این مسیر از امروز، با تلاش فکری و سیاسی برای اقامه خلافت راشده دوم بر منهج نبوت آغاز می‌شود.

**برگرفته از شماره ۵۵۷ جریده‌الرأیه**